

بررسی تطبیقی ابعاد اجتماعی - حقوقی ازدواج کودکان در کشورهای بنگلادش، هندوستان و ایران

علی فلاحتی شهاب الدینی^۱، لیلا سلطانی^۲، محمدرضا رشنوادی^۳

^۱ عضو هیأت علمی، دانشگاه علامه طباطبایی

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران

^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه تهران

نویسنده مسئول:

علی فلاحتی شهاب الدینی

چکیده

ازدواج کودکان یکی از بدترین اشکال انکار حقوق کودک است. در برخی از کشورها^۱ ازدواج کودکان - بویژه دختران - یک عرف اجتماعی قوی محسوب می شود. در این کشورها، ازدواج زودهنگام فراگیر است و اگرچه ممکن است بر اساس قوانین ملی و معاهدات بین المللی ممنوع شده باشد اما کما فی السابق ازدواج کودکان، بویژه در مناطق روستایی صورت می گیرد. واژه ازدواج کودک بالذات دارای تناقض است؛ زیرا جای تعجب دارد که چگونه "ازدواج" و "کودک" می توانند در کنار هم مطرح شوند. برای ازدواج کودکان، دلایل متعددی وجود دارد؛ اما مهمترین دلایل آن را می توان فقر، خرافات، فقدان امنیت اجتماعی و فقدان آگاهی دانست. پیشگیری از ازدواج کودکان تنها از دیدگاه حقوق کودک و حقوق بشر ضروری است بلکه همچنین به جهت اهداف ملی و اهداف توسعه هزاره اجتناب ناپذیر می باشد. برای جلوگیری از ازدواج کودک، قوانین بایستی به حدی لازم الاجرا باشند که ازدواج کودک را تضعیف نمایند و در کنار عوامل قانونی، برنامه های آگاه سازی اجتماعی تدوین شود. این مقاله تلاش می کند پیامدهای اجتماعی - اقتصادی و فیزیکی ازدواج کودکان را مطرح نموده و با ارائه پیشنهادات و راهکارهای قانونی، حمایت حقوقی از آنها را تأمین نماید.

کلمات کلیدی: ازدواج کودک، رضایت آزاد و کامل، حقوق، آگاهی، پیامدها.

^۱ همانند بنگلادش و هندوستان

مقدمه

کودکان ضعیف ترین قشر اجتماع محسوب شده و برای رشد نیازمند خانواده و کل جامعه هستند. ازدواج زود هنگام و اجباری، دختران و زنان جوان را از حقوق بشر اساسی شان محروم می کند. ازدواج اجباری، ازدواجی را تجویز می کند که بدون آزادی و رضایت معتبر یک یا دو شریک صورت گرفته و هر دو فشار فیزیکی و روحی را شامل می شود؛ لذا زمانی که حداقل یکی از طرفین ازدواج نابالغ است؛ رضایت آزاد و کامل محسوب نمی شود. ازدواج های اجباری و زود هنگام نقض جدی حقوق بشر تلقی می شوند. نیاز به رضایت آزادانه و آگاهانه ی هر دو طرف ازدواج در اسناد متعدد حقوقی به رسمیت شناخته شده است. اما علیرغم این تضاد، تنها تعداد معدودی از کشورها، عمل ازدواج اجباری و زود هنگام را جرم انگاری کرده اند و صرف نظر از قوانین موجود، این رویه همچنان ادامه دارد. در کشورهایی چون بنگلادش و هندوستان، شمار زیادی از بچه ها از حقوق بشر اساسی به علت بهداشت، تغذیه، آموزش و همچنین شرایط اجتماعی قابل قبول محروم هستند. والدین، دختر بچه هایشان را به ازدواج کردن تشویق می کنند با این امید که ازدواج از نظر مالی و اجتماعی برای آنها مفید خواهد بود. در اکثر خانواده های روستایی، دختران هرگز در خصوص ازدواجشان مورد مشورت قرار نمی گیرند؛ بنحویکه والدین و ارشد خانواده داماد را انتخاب و مراسم ازدواج را برگزار می کنند. لذا در اکثر مواقع، قانون حداقل سن قانونی برای ازدواج نادیده گرفته شده است.

علل و پیامدهای ازدواج کودکان پیچیده و به هم مرتبط است، بنابراین هیچ راه حل ساده ای برای از بین بردن ازدواج کودک وجود ندارد و این مسأله نیازمند آگاهی اجتماعی همراه با قوانین حمایتی است. از نظر یونیسف ازدواج کودک، نقض حقوق بشر است و این موضوع شایعترین شکل سوء استفاده جنسی و استثمار دختران محسوب می شود. در بسیاری از کشورهای جهان، بویژه کشورهای توسعه نیافته، والدین به ازدواج کودکان رضایت می دهند با امید به اینکه این امر از لحاظ اقتصادی و اجتماعی به سود دختران است. در کل، فقر اصلی ترین علت ازدواج کودکان، بویژه در مناطق روستایی محسوب می شود؛ بنابراین کشورهای توسعه نیافته ی آسیا، آفریقا و خاورمیانه دارای نرخ بالاتری از ازدواج کودک هستند. آمارها نشان می دهند که تعداد قابل توجهی از دختران در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تا سن ۱۴ سالگی ازدواج کرده اند. ازدواج کودکان در کشورهایی که دارای نرخ فقر، تولد و مرگ و میر بالاتری هستند بیشتر است. هدف از نگارش مقاله این است که ضمن تجزیه و تحلیل قوانین ملی و آثار آن ها بر ازدواج کودکان، به ضرورت اصلاح قوانین موجود در خصوص ازدواج کودکان و ممنوعیت آن پرداخته و با استفاده از اهرم های قانونی، ضمانت اجراهای قوی جهت اجرای دقیق قانون ممنوعیت ازدواج کودکان^۱ فراهم نماید. بعلاوه در کنار عوامل قانونی؛ بر ضرورت تدوین برنامه های آگاه سازی اجتماعی، در راستای جلوگیری از ازدواج کودکان اهتمام جدی معطوف گردد. پرسشهای اصلی در مورد این تحقیق عبارتند از:

- ۱- چرا در کشورهای مورد مطالعه ازدواج کودکان اتفاق می افتد؟ ۲- آیا قوانین ملی در کشورهای مورد مطالعه، ازدواج کودکان را تجویز می کند؟ ۳- اگر یک ازدواج با تشریفات رسمی انجام شود؛ آیا چنین ازدواجی می تواند بوسیله قوانین ملی باطل یا غیرمعتبر اعلام شود؟ ۴- نقاط ضعف قانون ازدواج کودکان در کشورهای مورد مطالعه چیست؟ ۵- چرا نظام حقوقی در جلوگیری از رویه ازدواج کودکان شکست خورده است؟

مرور پیشینه ها

موضوع مقاله حاضر بررسی تطبیقی ابعاد اجتماعی- حقوقی ازدواج کودکان می باشد. در فصلنامه زن و بهداشت شماره ۲، تابستان ۸۹ مقاله ای تحت عنوان پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس در زنان به قلم راضیه لطفی نگاشته شده است. مقاله طنین سکوت (پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران) توسط کامیل احمدی تهیه گردیده و کتاب حلقه (نگاهی به ازدواج کودکان در ایران) توسط رایحه مظفریان نگاشته شده است. اما در تمامی آثار مذکور که با تلاش ها و زحمات این عزیزان تهیه گردیده، صرفاً به وضعیت ازدواج کودکان در ایران و آثار آن از بعد اجتماعی و بهداشتی توجه شده و بررسی دقیق ابعاد حقوقی و ارائه راهکارهای قانونی در مورد پیشگیری از ازدواج کودک که واجد اهمیت شایانی است؛ مغفول مانده است. ضمن اینکه با بررسی تطبیقی موضوع می توان از تجارب بدست آمده توسط کشورهای مورد مطالعه بهره جست.

^۲. در کشورهایی که دارای قانون مصوب هستند.

روش شناسی

روشی که برای تهیه این مقاله اعمال گردیده است؛ روش تحلیلی و توصیفی است. روش پژوهش، کتابخانه ای بوده (بررسی کتابها، مقالات و بانک های اطلاعاتی اینترنتی) و جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعه و ترجمه کتب و مقالات متعدد صورت گرفته است.

گفتار اول : مفهوم ازدواج کودکان

تولد، ازدواج و مرگ ۳ عامل کلیدی در زندگی انسان ها هستند؛ اما تنها در ازدواج امکان انتخاب وجود دارد. حق انتخاب کردن به عنوان یک اصل قانونی، حتی در زمان رومی ها و در اسناد بین المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. بسیاری از دختران و تعدادی از پسران بدون هیچ گونه حق انتخابی ازدواج کرده اند و برخی از آنها به ازدواج در سن خیلی پایین ملزم شده اند. در حالیکه سن ازدواج به طور کلی در حال افزایش است؛ ازدواج زودهنگام و ازدواج کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال به طور گسترده انجام می شود و این عمل به عنوان "ازدواج کودک" شناخته شده است.

گفتار دوم: داده های آماری ازدواج کودکان

ازدواج زود هنگام یک مشکل پایدار است که در میان دختران اتفاق می افتد؛ اگرچه مواردی در خصوص ازدواج زودهنگام و اجباری در میان مردان جوان و پسران نیز مشاهده شده است؛ اما به خاطر غیر رسمی بودن و ماهیت مستند نشده اغلب ازدواجهای اجباری، مشکل است که آمارهای قابل اعتمادی از ازدواج اجباری گردآوری شود. مقاومت قربانیان در مورد صحبت کردن علیه خانواده های معمولاً بسته^۳ یا جوامعشان، مانع دیگری را بر سر راه داده های قابل اعتماد قرار می دهد. بر اساس گزارش یونیسف^۴ در کشور بنگلادش ۶۴ درصد دختران تا قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده و یک سوم دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله مادر یا باردار هستند. در یک مطالعه انجام شده بین سالهای ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ بر روی زنان ۱۹-۱۵ ساله در کشور هندوستان مشخص شد که ۳۳.۸ درصد در آن زمان ازدواج کرده یا در حال ازدواج بودند. بررسی سازمان ملی بهداشت خانواده از سال ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۶ که در ۲۹ ایالت کشور هندوستان اجرا شد، تأیید کرد که ۴۵ درصد از زنان ۲۴-۲۰ ساله قبل از اینکه به سن ۱۸ سالگی برسند؛ ازدواج کرده اند. نرخ ازدواج در مناطق روستایی (۵۸.۵ درصد)، در مناطق شهری (۲۷.۹ درصد) و در ۱۸ ایالت از ۵۰ درصد فراتر رفته بود. هرچند سازمان ملی بهداشت خانواده، اطلاعاتی را در مورد دخترانی که زیر سن ۱۵ سال متأهل شدند، جمع آوری نکرد؛ اما بر اساس سرشماری سال ۲۰۰۱ در کشور هندوستان، مشخص شد که ۳۰۰۰۰۰ نفر دختر زیر سن ۱۵ سال حداقل یک بچه به دنیا آورده اند. در سال ۲۰۰۶ هندوستان تایمز بر اساس گزارش مرکز بین المللی تحقیق بر روی زنان اعلام کرد که ۵۷ درصد دختران در کشور هندوستان قبل از اینکه به سن ۱۸ سال برسند متأهل شدند. در مجموع ۴۰ درصد ازدواج کودکان در کشور هندوستان اتفاق می افتد.

گفتار سوم : عمده دلایل ازدواج کودکان

الف) فقر: فقر یکی از عوامل عمده در زمینه ازدواج کودکان است. در مناطق فقیر نشین، یک دختر بچه به عنوان بار اقتصادی محسوب می شود. در کشور بنگلادش و هندوستان، والدین فقیر وادار می شوند که دخترانشان را با وعده ازدواج از وضعیت اقتصادی موجود برهانند.

ب) وضعیت اقتصادی و اجتماعی: دختران اغلب به عنوان یک بار اقتصادی برای خانواده هایشان محسوب می شوند؛ بنابراین والدین می خواهند دختر بچه هایشان را در سن پایین به ازدواج در آورند. ممکن است والدین احساس کنند که دخترشان با یک سرپرست مرد (شوهر) وضعیت بهتر و ایمن تری خواهد داشت. برخی جوامع دختر بچه هایشان را به عنوان بار تلقی می کنند و فکر می کنند که با ازدواج زودهنگام آنها را از دست جامعه مردسالار رهایی می بخشند.

ج) فقدان آموزش: در کشور بنگلادش و هندوستان بیشتر دختران ترک تحصیل می کنند؛ بویژه در بافتهای فرهنگی که دختران تا آخر عمر به اشتغال در مشاغل خانگی محدود می شوند و انتظار می رود که در سن خیلی پایین ازدواج کنند.

د) مانع اجتماعی: بسیاری از خانواده ها فکر می کنند که ازدواج ابزاری برای حفاظت از دخترانشان است؛ زیرا والدین احساس می کنند که با ازدواج، دخترشان از نظر مالی وضعیت مطلوبی پیدا کرده و از سوء استفاده جنسی یا تمایل جنسی نامشروع ایمن خواهد شد.

^۳. Losed families

^۴. The state of the world's children

ه) اعتقادات مذهبی: در کشور هندوستان متونی همانند مانا اسمیرتی^۵ بیان می کنند: "پدر یا برادری که دختر یا خواهر بالغشان را به عقد ازدواج کسی درنیاورند، به جهنم می روند." و این باورها به عنوان ابزاری برای توجیه ازدواج کودک استفاده می شوند.

و) نقص قوانین و عدم ضمانت اجرای قوی در خصوص قوانین موجود.

گفتار چهارم: پیامدهای ازدواج کودکان

در حالیکه ازدواج کودکان بر هر دو جنس تأثیر می گذارد، دختران تأثیرپذیری بیشتری داشته و اغلب قربانیان را تشکیل می دهند. اهم پیامدهای ازدواج کودکان به شرح ذیل می باشد:

الف) از دست دادن رشد شخصی: ازدواج زودهنگام، دختران و پسران را از بهره مندی از حقوقشان محروم می کند. اکثر دخترانی که از یک ازدواج تحمیلی ناراضی هستند بسیار منزوی بوده و آزادی و رشد شخصی شان را از دست داده اند. ازدواج کودکان منجر به عدم مشارکت آنها در امور خانواده و جامعه و منتج به انزوای اجتماعی خواهد شد.

ب) عدم آموزش: ازدواج زودهنگام، کودکان را از حق آموزش و ادامه تحصیل محروم می کند و بواسطه این امر اعتماد به نفس و قدرت تصمیم گیریشان تضعیف شده و فرصت استقلال اقتصادی از آنها سلب می گردد. این موضوع به واسطه این واقعیت تقویت می شود که کودکان مادران بیسواد و کم سن و سال تمایل دارند که همان چرخه محرومیت دوران کودکی و ضرر و زیانهای وارده به مادرشان را تجربه کنند.

ج) مشکلات بهداشتی: با ازدواج زودهنگام، بارداری زودهنگام همراه خواهد بود. پس از ازدواج، دخترچه ها مشکلات شدید بهداشتی همانند بارداری و زایمان را متحمل می شوند. خطرات ناشی از بارداری و زایمان زودهنگام عبارتند از: افزایش خطر زایمان زودرس، افزایش خطر مرگ و میر مادران و نوزادان، عوارض ایجاد شده در طول زایمان، وزن کم نوزادان در هنگام تولد، افزایش احتمال زنده نماندن نوزاد، افزایش آسیب پذیری به HIV^۶، ایدز و دیگر بیماری های مقاربتی.

د) مشکلات اجتماعی: دختران نوجوانی که از ازدواج زودهنگام می گریزند؛ پس از ازدواج بالاترین نرخ آسیب پذیری ناشی از خشونت جنسی را متحمل می شوند. تعدادی از این دختران آمیزش جنسی را به صورت دردناک و قبل از اینکه دوره قاعدگی آنها شروع شود تجربه می کنند. این دختران، همسرانشان را از عدم تمایل به داشتن رابطه جنسی یا درد در هنگام رابطه، آگاه ساخته اند؛ اما در ۸۰ درصد این موارد تجاوز^۷ همچنان ادامه دارد. در ۲۰ درصد باقیمانده، تعدادی از زنان که به دلیل جلوگیری از ابتلا به بیماری های مقاربتی از طریق همسرشان، از برقراری رابطه جنسی با وی سر باز می زنند؛ اغلب درگیر رابطه جنسی همسرانشان با زنان دیگر، خارج از قلمرو ازدواج می شوند. برخی از دختران در ازدواج های وحشیانه، به حدی سختی می کشند که فرار می کنند؛ این قبیل دختران در معرض قتل های به اصطلاح ناموسی^۸ هستند و ممکن است توسط خانواده شان مجازات یا حتی کشته شوند. عروسان نوجوان که شوهرانشان اغلب بسیار بزرگتر از آنها هستند؛ به احتمال زیاد در سن پایین بیوه شده و تبعیض های مضاعفی را متحمل خواهند شد. در بسیاری از موارد زن بیوه شده بایستی با برادرشوهرش ازدواج کند و اگر از این کار خودداری نماید، توسط خانواده اش طرد می شود.

ه) قاچاق زنان و کودکان: ازدواج زودهنگام و اجباری یکی دیگر از عوامل عمده قاچاق انسان است. در کشورهایی چون بنگلادش و هندوستان، حدود ۸۱ درصد قربانیان قاچاق انسان، قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند.

و) رشد جمعیت: ازدواج کودکان، میزان تولید مثل زنان را افزایش داده و منجر به افزایش تعداد اعضای خانواده و در نتیجه رشد جمعیت می شود.

^۵. Manu smirti

^۶. به علت نوسانات هورمونی و نفوذ پذیری بافت واژن.

^۷. اجبار به داشتن رابطه جنسی.

^۸. honour killings

گفتار پنجم: بررسی تطبیقی ازدواج کودکان**بند اول: بررسی وضعیت ازدواج کودکان در کشورهای بنگلادش، هندوستان و ایران**

الف) کشور بنگلادش: براساس قانون محدودیت ازدواج کودک مصوب سال ۱۹۲۹، حداقل سن قانونی برای ازدواج پسران و دختران به ترتیب ۲۱ سال و ۱۸ سال می باشد و ازدواج کودک قابل مجازات است. اما یافته های حاصل از بررسی بهداشت و جمعیت بنگلادش^۱، نشان می دهد که متوسط سن ازدواج دختران ۱۶.۴ سال است. قانون محدودیت ازدواج کودکان مصوب سال ۱۹۲۹ مجازات را برای سه گروه وضع کرده است. *مردانی که با دختر بچه ها ازدواج می کنند. *هرکس که عقد ازدواج کودک را منعقد، هدایت یا رهبری کند. *والدین یا قیم هایی که اجازه ازدواج کودک را می دهند. علیرغم وجود قانون ملی از یکسو و اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد رضایت به ازدواج، حداقل سن قانونی برای ازدواج و ثبت ازدواج مصوب ۵ اکتبر سال ۱۹۹۸ و بسیاری از اسناد بعدی حقوق بشر از سوی دیگر، این قوانین تأثیر بسیار کمی بر روی کثرت ازدواج کودک در کشور بنگلادش داشته اند.

ب) کشور هندوستان: پارلمان هند قانون ممنوعیت ازدواج کودکان، مصوب سال ۲۰۰۶ را تصویب کرده که جایگزین قانون محدودیت ازدواج کودکان مصوب سال ۱۹۲۹ شد. بر اساس قانون سال ۱۹۲۹ سیاست دولت این بود که پایه های ازدواج کودکان را با مجازات کسانی که ازدواج دختران و پسران زیر سن قانونی را تشویق یا در آن دخالت کردند؛ سست کند. لذا علیرغم اینکه زن و شوهر زیر سن قانونی بودند به خاطر ازدواجشان مسوولیت نداشتند و چنین ازدواجی معتبر و از نظر قانونی لازم الاجرا بود. قانون ازدواج هندو مصوب سال ۱۹۵۵ حداقل سن ازدواج را برای عروس ۱۸ سال و برای داماد ۲۱ سال اعلام کرد؛ با اینحال اگر چنین شرطی نقض شود موجب باطل شدن یا قابل ابطال شدن ازدواج نشده و یک شخص بعد از اینکه به بلوغ می رسد نمی تواند ازدواجش را باطل کند. از اینرو بر اساس قانون محدودیت ازدواج کودکان مصوب سال ۱۹۲۹ و قانون ازدواج هندو مصوب سال ۱۹۵۵ به اعتبار ازدواج هیچ خدشه ای وارد نمی شود؛ حتی اگر ازدواج در تناقض با حداقل سن تجویز شده باشد. از طرف دیگر با توجه به "سن رضایت" قانون مجازات هند مصوب سال ۱۹۴۸ سن ۱۵ سال را به عنوان حداقل سن ازدواج برای یک دختر به رسمیت شناخته است. ماده ۳۷۵ مقرر می کند: "آمیزش جنسی مرد با همسرش که کمتر از ۱۵ سال نداشته باشد، تجاوز محسوب نمی شود." پس امکان تجاوز زناشویی در حالیکه زن بیش از ۱۵ سال داشته باشد را تجویز نموده است. و همین قانون می گوید "اگر مرد با همسرش که کمتر از ۱۲ سال است آمیزش جنسی داشته باشد متحمل حداکثر ۲ سال حبس و پرداخت جریمه می شود." همچنین با بیان این موضوع که آمیزش جنسی مرد با دختری که کمتر از ۱۵ سال بوده و ۱۸ ساله نیست تجاوز محسوب می شود؛ ازدواج های زیر سن قانونی به طور غیرمستقیم تأیید شده اند. با این حال سن ازدواج به موجب قانون محدودیت ازدواج کودکان مصوب سال ۱۹۲۹، ۱۸ سال تعیین شده است. روشن است که با توجه به "سن رضایت" یک تضاد و ابهام در قانون ازدواج هندو و قانون مجازات هند وجود دارد. قانون بلوغ هند مصوب سال ۱۸۷۵ سن ۱۸ سال را به عنوان سن بلوغ مقرر می کند؛ ولی با این وجود هیچ ضمانت اجرایی برای ازدواج زیر سن بلوغ تعیین نکرده است. یکی دیگر از نمونه های تأیید قانونی ازدواج کودکان در قانون قیمومت و صغر هندو مصوب سال ۱۹۵۶ دیده می شود که به وضوح می گوید: "ولی قهری یک دختر صغیر، شوهرش است." این بخش از قانون، اهمیت موضوع را در شرایطی که شوهر دختر صغیر، خودش نیز صغیر است در نظر نمی گیرد. این پذیرش قیمومت زن صغیر، به خودی خود دلالت دارد بر این امر که قصد قانونگذار، دادن مشروعیت به چنین ازدواجهایی است. قانون ممنوعیت جهیزیه مصوب سال ۱۹۶۱ مقرراتی را در بر می گیرد که نشان دهنده اعتبار ضمنی ازدواج صغار است. همچنین آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۹۷۳ مقرراتی را در بر می گیرد که نشان دهنده تأیید ازدواج کودک توسط قانونگذار است. این قانون پدر دختر صغیر متأهل را متعهد می کند در شرایطی که شوهرش توانایی نگهداری او را ندارد از وی نگهداری کند. تأیید قانونگذار و پذیرش اعطای اعتبار به ازدواج کودکان در قوانین دیگر، به طور قطعی هدف قانون محدودیت ازدواج کودکان مصوب سال ۱۹۲۹ مبنی بر مهار و جلوگیری از به رسمیت شناختن ازدواج کودک را مخدوش می کند. به موجب قانون ممنوعیت ازدواج کودکان مصوب سال ۲۰۰۶، ازدواج کودکان باطل نیست اما قابل ابطال است. طرفین ازدواج زیر سن قانونی، پس از رسیدن به سن بلوغ می توانند آن را باطل اعلام کنند؛ با این حال دختر حق نگهداشتن شوهرش را دارد حتی اگر ازدواج باطل اعلام شود. تغییر دیگری که در این قانون مقرر شده اینست که مجازات برای تشویق ازدواج کودک افزایش یافت. قبل از تصویب این قانون، مجازات یک حبس ساده ی ناچیز تا ۳ ماه و جریمه بود. به موجب قانون جدید مرد بالغی که با یک دختر بچه ازدواج می کند؛ ممکن است مجازات شود با حبس شدید که

^۱. The Bangladesh Demographic health survey (BDHS)

ممکن است تا ۲ سال ادامه داشته باشد و همچنین مسوول است برای پرداخت تا ۲ لاکه^۱ اشخاصی که مراسم ازدواج را برگزار می کنند، طرفین را به ازدواج تشویق می کنند یا به هر شکل ممکن در مجازات مشارکت می کنند ممکن است با یک شیوه مشابه مجازات شوند. با اینحال پس از تصویب قانون ممنوعیت ازدواج کودکان مصوب سال ۲۰۰۶ هنوز نقاط ضعف ذیل وجود دارد:

اولاً ازدواج کودکان به اختیار طرفین قابل ابطال است اما کاملاً باطل نشده است. این بدان معناست که ازدواج کودکان هنوز هم قانونی است. قابل ابطال ساختن چنین ازدواج هایی به حقیقت موضوع کمکی نمی کند. در بسیاری از موارد دختران صغیر به جلب حمایت خانواده برای مراجعه به دادگاه و باطل ساختن عقد ازدواج صورت گرفته، دسترسی ندارند. ثانیاً آداب و رسوم اجتماعی و قوانین شخصی گروههای مختلف مذهبی در کشور هند، ازدواج دختران صغیر را مجاز می داند و قانون ممنوعیت ازدواج کودکان مشخص نکرده که آیا ازدواجهای زیر سن قانونی به وسیله قوانین مذهبی تأیید می شوند یا خیر؟ ثالثاً در کشور هند ثبت ازدواج هنوز اجباری نشده است. در صورت اجباری بودن ثبت ازدواج، سن دختر و پسری که با هم ازدواج کردند در اسناد ازدواج قید می شود و بدینوسیله قدرت والدین در زمینه به ازدواج درآوردن دخترانشان تضعیف می شود. عبارات "باطل" و "قابل ابطال" در مقدمه قانون ممنوعیت ازدواج کودکان مصوب سال ۲۰۰۶ استفاده شده است؛ اما یک تفاوت وسیع بین معنای هر دو عبارت وجود دارد. پارلمان از یک سو اعلام می کند ازدواج کودکان غیرقانونی است اما از سوی دیگر تعیین نمی کند که باطل است فقط می گوید قابل ابطال است. از اینرو موقعیت قانون ممنوعیت ازدواج کودکان مصوب سال ۲۰۰۶ از این جهت که مقید به قوانین دیگر مربوط به کودکان است که بدون تغییر مطلوبی باقی مانده اند؛ به شدت محدود شده است. با توجه به مراتب فوق، عملاً هیچ تلاشی صورت نگرفته که ازدواج کودک فی نفسه نقض حقوق بشر به حساب آید. بنابراین اگر یک مرد با یک دختر بچه ۱۲ یا ۱۳ ساله خارج از چهارچوب ازدواج رابطه جنسی برقرار کند به عنوان جنایتکار محسوب می شود؛ اما اگر همین ارتباط در چهارچوب ازدواج شکل گیرد به راحتی قابل اغماض و چشم پوشی است. رویه قضایی دادگاههای هند هم نشان می دهد که برخلاف قانون ممنوعیت ازدواج کودکان مصوب سال ۲۰۰۶، دستگاه قضایی هند تمایل زیادی به تأیید ازدواج کودکان دارد.

ج) کشور ایران: با توجه به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران، ازدواج کودکان با اجازه والدین و مجوز دادگاه امکانپذیر است. ماده ۱۰۴۱ (قانون مدنی) عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.

در حالی که ماده مذکور به محدوده سنی زیر ۱۳ سال برای دختران و زیر ۱۵ سال برای پسران عطف می شود؛ نگاهی به قوانین موجود در دوره های تاریخی متفاوت نشان می دهد که نوع نگرش حاکمیت مرکزی در ایران، در تشخیص محدوده ی سن کودکی و ازدواج، تأثیر بسیاری داشته است. در سال ۱۳۱۳ شمسی، قانونی مصوب شد که براساس آن، حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال در نظر گرفته شده بود؛ اما در موارد خاص و بر اساس تشخیص مصلحت، این میزان قابل کاهش به ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران بود. ۴۰ سال بعد و در سال هایی که فرهنگ شهرنشینی در ایران گسترش بیشتری یافت، آمارها نشان می داد که تعاملات اقتصادی و تبدلات فرهنگی ایرانی ها با کشورهای غربی به میزان حداکثری خود رسیده؛ لذا قوانین مدنی ایران نیز در این زمینه به روز شدند. در سال ۱۳۵۳ شمسی قانونی تصویب شد که حداقل سن ازدواج برای دختران را ۱۸ سال و برای پسران ۲۰ سال تعیین کرده بود.

انقلاب ایران،^{۱۱} [http://www.feministschool.com/spip.php?article7389] شرایط را تغییر داد و قوانین محدود کننده ی ازدواج کودکان، غیر شرعی تشخیص داده شدند. بسیاری از قوانین از سال ۱۳۶۱ تغییر کردند. ازدواج کودکان بلامانع تشخیص داده شد و از منابع مورد استناد در این امر نیز، یکی شان رساله برخی از مراجع تقلید بود که "ازدواج با دختران نابالغ و عشقبازی با آنها و لمس شهوانی شان توسط شوهر را مجاز می شمرد، تا مرحله ای که دخولی به درون بدن آنان صورت نپذیرد." در سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی طی قانونی که تصویب نمود، مقرر داشت سن ازدواج دختر و پسر هر دو هجده سال تمام باشد؛ اما دختری که به سن پانزده سال تمام رسیده باشد و بخواهد ازدواج کند، دادگاه می تواند در صورت مصلحت به وی اجازه دهد. این مصوبه مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفت و چون مجلس شورای اسلامی از نظریه خود عدول نکرد؛ برای حل اختلاف، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد و مجمع مذکور در تاریخ ۸۱/۴/۱ چنین مقرر نمود: "نکاح دختر قبل از رسیدن به سن سیزده سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن پانزده سال تمام شمسی منوط است

^{۱۱}. lakh

به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح". بنابراین بعد از تصویب قانون اخیر، سن قانونی برای ازدواج در مورد دختر سیزده سال تمام و در مورد پسر پانزده سال تمام شد و افرادی که به این سن رسیده باشند، می توانند در مورد همسر آینده خود رأساً تصمیم گیری کنند. در مواردی که فردی پیش از سن فوق، قصد ازدواج داشته باشد، باید اولاً ولی قهری (پدر یا جد پدری) اجازه دهد؛ ثانیاً باید مصلحت این ازدواج زود هنگام را توجیه کند؛ ثالثاً دادگاه باید قبلاً بر چنین ازدواجی صحه گذاشته باشد. چنین قانونی علی الظاهر اشکال خاصی ندارد؛ لکن در خصوص اینکه دختر ۱۳ ساله قدرت تصمیم گیری برای ازدواج داشته باشد یا نه، مربوط به شرط دیگری برای ازدواج یعنی "رشد" می شود. قانونی که در سال ۱۳۸۱ تصویب شد، قابل خدشه است؛ زیرا اولاً ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران سن مناسبی برای تصمیم گیری در مورد ازدواج نیست؛ ثانیاً اختیار تزویج فرد را قبل از این سن به ولی او داده است؛ در حالی که انتخاب همسر مهم ترین انتخاب زندگی انسان است و اشتباه در آن گاه موجب تزلزل سعادت فرد می شود. مبحث ازدواج کودکان تنها به قوانین وضع شده از جانب حکومت محدود نمی شود بلکه موارد دیگری چون عدم ثبت ازدواجها و طلاقها و همچنین شرایط ازدواج موقت هم خطری است که کودکان را تهدید می کند و تأثیر آن ها بر زندگی کودکان باید مورد سنجش قرار گیرند. از مباحث گفته شده این گونه می توان نتیجه گرفت که اگر چه سازمان های بین المللی فرد زیر ۱۸ سال را کودک می دانند اما در ایران و طبق قوانین مدنی، سن انتخاب آزادانه همسر برای دختران بالای ۱۳ سال و برای پسران بالای ۱۵ سال است و افراد زیر این سن باید با اجازه ولی و مصلحت دادگاه ازدواج کنند. بنابراین بهتر است که یک بازنگری جدی در قانون مدنی شود و ماده مربوط به سن ازدواج به صورت گذشته اصلاح گردد. چرا که به دلیل وجود این تبصره ها، ازدواج های زیر ۱۳ سال صورت می گیرد. از آنجا که فرد علاوه بر بلوغ جنسی باید به رشد فکری و روانی برای ازدواج نیز رسیده باشد؛ بعید به نظر می رسد فردی که در سن ۱۳ سالگی تازه به بلوغ جنسی رسیده، از نظر روحی و روانی نیز آمادگی ازدواج را داشته باشد و مودت و رحمت در سایه ازدواج را بتوان از او انتظار داشت. به طور قطع می توان گفت که هیچ دختر ۱۳ ساله یا پسر ۱۵ ساله ای نیست که این توانایی ها را در جامعه متحول کنونی داشته باشد. هنگامی که سن رشد برای هر دو جنس اعم از دختر یا پسر ۱۸ سال است و کمتر از این سن نمی توانند خرید و فروش نمایند، در انتخابات شرکت کنند، نسبت به افتتاح حساب بانکی یا اخذ گواهینامه رانندگی اقدام نمایند، در اموال خود تصرف کنند و حتی نمی توانند برای گرفتن حقوق مالی خود نظیر مهریه و نفقه تصمیم بگیرند؛ پس چگونه می توانند در موضوعی بسیار مهمتر یعنی ازدواج وارد تصمیم گیری شوند؟ مهمتر اینکه پدر و جد پدری نیز نمی توانند برای آنان تصمیمی بگیرند که تا پایان عمرشان درگیر آن هستند. بهترین سن ازدواج، همان است که قانون سال ۱۳۷۹ پیشنهاد کرد و به تصویب شورای نگهبان نرسید. شاید گفته شود مشکل فقهی موضوع را چگونه می توان حل کرد؟ در پاسخ باید گفت: اگر می توان حداقل سن را از ۹ سال به ۱۳ سال آورد، پس چرا به ۱۸ سال نتوان آورد؛ با همان منطق می توان حداقل سن را تغییر داد.^{۱۲} سایت فرارو]

داده های آماری^{۱۳} [سایت خبرگزاری دانشجویان ایران "ایسنا" (تاریخ انتشار: ۱۲:۲۹ - ۲۹ مرداد ۹۶)] موجود نیز نشان از اهمیت مقوله اصلاح قانون دارد. طبق آمار ثبت شده در سازمان ثبت احوال کشور بر اساس ۹ ماهه اول سال ۹۴ اعلام شد که ۱۷ درصد از ازدواج های کشور مربوط به ازدواج دختران زیر ۱۸ سال بوده و همچنین آنکه در سال ۹۴ بیش از ۵ درصد ازدواجها در سنین کمتر از ۱۵ سالگی ثبت شده اند. این در حالیست که این آمار تنها آمار ازدواج های ثبت شده در دوران کودکی است.

بند دوم: مروری بر ضمانت اجراهای موجود در خصوص ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران

با مطالعه و تدقیق در سیاست تقنینی ایران می توان دریافت که تا قبل از تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱، ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی در خصوص ازدواج کودکان اعمال می شد. اعمال ماده ۶۴۶ به دلایل ذیل نمایانگر ناکارآمدی نظام حقوقی موجود در ایران بود:^{۱۴} [شکری فریده، «بررسی حقوقی ازدواج و رشد دختران» نشریه مطالعات راهبردی زنان، سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۸] * فقدان ضمانت اجرای مدنی و کیفری موثر بر ازدواج دختران نه تا سیزده سال. توضیح آنکه ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی صرفاً برای ازدواج با دختران زیر سن بلوغ تعیین مجازات کرده و نسبت به ازدواج با دختر ۹ سال تمام قمری تا ۱۳ سال تمام شمسی، فاقد ضمانت اجرای کیفری بود. * عدم مسوولیت ولی قهری در ازدواج دختر زیر سن قانونی؛ هرگاه ولی برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی دختر خود را به عقد ازدواج دیگری درمی آورد فاقد مسوولیت کیفری و حقوقی بود؛ زیرا از یکسو مجازات موضوع ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی صرفاً برای زوج مقرر شده و از سوی دیگر ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی صرفاً برای سوء عمل و تدبیر ولی نسبت به اموال مولی علیه ضمانت اجرا قرار داده بود. بنابراین در

موردی که سوء رفتار ولی موجب ورود ضرر غیرمالی بر مولی علیه می شد ضمانت اجرایی بر وی متصور نبود. *عدم مسوولیت مدنی و کیفری مداخله کنندگان در عقد نکاح. ضمانت اجرای^{۱۵} [پایگاه تحلیلی خبری زنان و خانواده مهرخانه، <http://mehrkhane.com>، حکیمه محمدی] عدم رعایت مقررات در ازدواج کودکان، پس از گذر از مراحل گوناگون در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ پیشرفت خوبی داشته است. برای ازدواج با کودک نابالغ بدون اذن ولی؛ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۱ در ماده ۶۴۶ از بخش تعزیرات، حبس تعزیری در نظر گرفته بود که با تصویب قانون جدید حمایت خانواده در سال ۹۱، این ماده نسخ شد. طبق ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده "هرگاه مردی بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود." تبصره) هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است. نکته مثبت قانون جدید این است که ضمانت اجرای کیفری ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی برای ازدواج غیر قانونی با کودک قبل از بلوغ تعیین شده بود اما ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده هرگونه ازدواج خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را مشمول مجازات دانسته است بنابراین مجازات، ازدواج غیر قانونی با دختران قبل از بلوغ و همچنین بین سن ۹ تا ۱۳ سال را شامل می شود. ضمن اینکه مجازات قبلی صرفاً در خصوص ازدواج با دختر نابالغ بدون اذن ولی بود اما مقرر جدید هرگونه ازدواج مغایر با ماده ۱۰۴۱ را مشمول مجازات می داند که دایره وسیع تری را شامل می شود. ضمن اینکه بر اساس تبصره، مجازات برای والدین خاطی و سایر مسئولین در ازدواج های غیر قانونی منظور شده است؛ اما علیرغم تحولات مثبت در نظام حقوقی ایران و اعمال ضمانت اجراهای جدی تر به منظور جلوگیری از رویه ازدواج کودکان، کماکان در این خصوص، نارساییها و نقاط ضعف چشمگیری مشهود می باشد؛ که اهم آنها عبارتند از: * عدم تدوین قانون جامع در راستای لغو و باطل ساختن ازدواج کودکان * عدم نظارت دادگاه بر شرایط نکاح؛ البته در قانون مدنی تشخیص دادگاه در کنار اذن ولی قهری (پدر و جد پدری) قرار داده شده، اما این تشخیص صرفاً برای احراز مصلحت کودک نسبت به ازدواج می باشد، به گونه ای که غالباً نوع، طرف و شرایط ازدواج مدنظر قرار نمی گیرد و این در حالی است که در برخی موارد چه بسا عقد نکاح، مغایر مصلحت طفل نباشد، اما نکاح با شخص مورد نظر ولی و با شرایط مورد توافق طرفین خلاف مصلحت مزبور باشد. * مشکلات ناشی از عدم انطباق سن نکاح و اماره قانونی رشد؛ با توجه به اینکه عملاً در قانون ایران و رویه دادگاهها سن هجده سال به عنوان سن رشد پذیرفته شده و رویه محاکم کشور همچنان بر پذیرش این سن به عنوان سن قانونی رشد است. این موضوع با سن نکاح موضوع ماده ۱۰۴۱ اصلاحی قانون مدنی همخوانی نداشته و در عمل موجب بروز مشکلاتی می شود.

گفتار ششم: حمایت قانونی از ازدواج کودک

بند اول: قوانین ملی

الف) کشور بنگلادش: * قانون محدودیت ازدواج کودک مصوب سال ۱۹۲۹. * قانون ثبت تولد و مرگ و میر مصوب سال ۲۰۰۴؛ ازدواج زود هنگام به این دلیل که اکثر تولدها ثبت نشده اند، افزایش یافته است. گواهی تولد به منظور اثبات سن و جهت استفاده از برخی خدمات ضروری مانند ثبت ازدواج، تحصیل گذرنامه و ثبت نام در مدرسه ضروری است. اما در بنگلادش ثبت تولد به خودی خود یک مشکل معمول است و سیستم ثبت تولد به نحو دقیقی اجرایی نشده و بنابراین نمی توان سن واقعی دختران را به طور قطعی معین کرد. * قانون کودکان مصوب سال ۱۹۷۴: ماده ۳۴ این قانون تصریح می کند اگر فردی با بد رفتاری، ایراد ضرب و جرح، اهمال، طرد کردن و... باعث شود که بچه ای مورد تجاوز قرار گیرد یا به سلامت آسیب وارد شود باید مجازات شود با حبس برای مدتی که ممکن است تا ۲ سال ادامه داشته باشد یا با جریمه که ممکن است تا ۱۰۰۰ تاکا^{۱۶} باشد یا با هردو.

ب) کشور هندوستان: * قانون ممنوعیت ازدواج کودکان در هند مصوب سال ۲۰۰۶.

ج) کشور ایران: * ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی؛ که بر اساس آن سن انتخاب آزادانه همسر برای دختران بالای ۱۳ سال و برای پسران بالای ۱۵ سال است و افراد زیر این سنین باید با اجازه ولی و مصلحت دادگاه ازدواج کنند. اما همانطور که در گفتار پنجم این مقاله به تفصیل تشریح شد این ماده قانونی در زمینه جلوگیری از ازدواج کودکان و وجود ضمانت اجراهای قوی در صورت وقوع ازدواج کودک موفق نبوده است.

^{۱۶}. Taka

بند دوم) اسناد منطقه ای

الف) کنوانسیون SAARC در پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای فحشا مصوب ۱۹۸۵: ماده ۱^{۱۷} «افراد موضوع قاچاق» یعنی زنان و بچه های قربانی یا مجبور به فحشا بوسیله قاچاقچیان با فریب، تهدید، اجبار، آدم ربایی، فروش، ازدواج فریب آمیز یا هر وسیله غیرقانونی دیگر.

ب) کنوانسیون SAARC در مناسبات منطقه ای برای ترویج رفاه کودکان در جنوب آسیا مصوب ۱۹۸۵: ماده ۴) ثبت تولدها، ازدواج ها و مرگ و میرها در دفتر ثبت اسناد رسمی، به منظور تسهیل اجرای موثر قوانین ملی از جمله حداقل سن اشتغال و ازدواج؛ توسط دول عضو.

ج) اعلامیه ۱۹۸۳ در خصوص وظایف اساسی آسه آن؛ انجمن ملل آسیای جنوب شرقی: ^{۱۸} در حال حاضر چین، اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و برونئی طرفین آن هستند که حق زندگی و حقوق مرتبط با سلامت را برای آسیا تضمین می کند.

د) منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک مصوب سال ۱۹۹۰: ماده ۲۱^{۱۹} ممنوعیت ازدواج کودک و نامزدی دختران و پسران و اقدام موثر از جمله قانونگذاری برای تعیین حداقل سن ۱۸ سال برای ازدواج.

ه) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۶۹: بند ۱ ماده ۴) حق زندگی. * ماده ۱۳) آزادی بیان و ابراز عقیده. * بند ۲ ماده ۱۷) حق ازدواج برای زنان و مردان در سن ازدواج.^{۲۱}

و) منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت ها مصوب سال ۱۹۸۱: ماده ۲۲) حق برخورداری از حقوق و آزادی های مندرج در منشور بدون هرگونه تبعیض. * ماده ۱۶) حق برخورداری از بهداشت و سلامت. * بند ۳ ماده ۱۸) حذف هرگونه تبعیض علیه زنان. * ماده ۲۴) حق برخورداری از یک محیط رضایتبخش برای رشد و پیشرفت.

ز) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: ^{۲۳} ماده ۲) حق حیات. * ماده ۸) حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد. * حق آزادی بیان. * ماده ۱۲) حق ازدواج برای کسانی که به سن ازدواج رسیده اند. * ماده ۱۴) حق برخورداری از حقوق و آزادی های مندرج در کنوانسیون بدون هرگونه تبعیض.

ح) منشور اجتماعی اروپایی مصوب ۱۹۶۱ بازبینی شده مصوب ۱۹۹۶: بند ۱۰ ماده ۷) حق بهره مندی کودکان و نوجوانان از حمایت های ویژه در مقابل خطرهای جسمی و روانی. * ماده ۱۱) حق حفظ سلامت. * ماده ۱۷) حق برخورداری کودکان و نوجوانان از حمایت اجتماعی، حقوقی، اقتصادی.

بند سوم) اسناد بین المللی

الف) اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸: ^{۲۵} بند ۲ ماده ۱۶) انعقاد ازدواج، صرفاً با رضایت آزاد و کامل طرفین. مقررات مشابه در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶ وجود دارند.

ب) کنوانسیون رضایت به ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج مصوب سال ۱۹۶۴: مواد ۱، ۲ و ۳) عدم امکان انعقاد ازدواج بدون رضایت کامل و آزاد طرفین؛ تعیین حداقل سن ازدواج. (مطابق با توصیه های غیرالزام آور ضمیمه این کنوانسیون، کمتر از ۱۵ سال نباشد.) قانوناً هیچ ازدواجی نباید بوسیله هر شخص زیر این سن، منعقد شود به استثنای جایی که یک مرجع ذیصلاح به دلایل مهمی در راستای منافع زوجین، سن خاصی را معین کرده باشد؛ ثبت همه ازدواج ها بوسیله مقام صالح.

ج) کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب سال ۱۹۷۹: بند ۱ ماده ۱۶) * حق یکسان برای انعقاد عقد ازدواج. * حق یکسان انتخاب آزادانه همسر و منعقد کردن ازدواج تنها با آزادی و رضایت کاملشان. بند ۲ ماده ۱۶) * فقدان اثر حقوقی نامزدی و ازدواج کودک * وضع قوانین برای تعیین حداقل سن ازدواج.

^{۱۷}. South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC)

^{۱۸}. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

^{۱۹}. African charter on the Rights and Welfare of the Child (ACRWC)

^{۲۰}. The American Convention on Human Rights (ACHR)

^{۲۱}. Marriageable Age

^{۲۲}. African Charter on Human and Peoples' Rights

^{۲۳}. The European Convention on Human Rights (ECHR)

^{۲۴}. European Social Charter (Revised)

^{۲۵}. The United Declaration Of human rights (UDHR)

^{۲۶}. The Convention on The Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW)

د) کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ (CRC):^{۲۷} این کنوانسیون به وسیله همه کشورهای جهان تصویب شده است. در این کنوانسیون مقوله ازدواج به طور مستقیم مطرح نشده اما برای هدایت شدن به سمت دیدگاه CRC به ازدواج زودهنگام، باید به حقوق دیگر نگاه کنیم. (حق بهداشت، آموزش، زندگی، بهترین منافع کودک، پیشرفت، احترام به نظرات کودک، بدیهی است که کنوانسیون از عدم امکان انعقاد عقد ازدواج در سن پایین حمایت کرده و معتقد است که باید حداقل سن ازدواج برای پسران و دختران برابر باشد؛ با این حال مرتبط ترین شان به شرح ذیل هستند:

*ماده ۱) کودک یعنی هر انسان زیر سن ۱۸ سال؛ مگر اینکه به موجب قانون قابل اجرا، کودک زودتر به سن بلوغ رسیده باشد.
*ماده ۲) آزادی از تبعیض در هر زمینه؛ منجمله جنسیت، مذهب، قومیت یا اصالت اجتماعی، تولد یا هر وضعیت دیگر. *ماده ۳) در اولویت قراردادن بهترین منافع کودک در تمام اقدامات مربوط به کودکان. *ماده ۶) پشتیبانی حداکثری برای بقاء و پیشرفت.
*ماده ۱۲) حق بیان دیدگاه هایش به طور آزادانه در تمام امور مربوط به کودک، مطابق با سن و بلوغ. *ماده ۱۹) حق حفاظت از همه اشکال خشونت جسمی یا روانی، آسیب یا سوء استفاده، سوء رفتار یا بهره برداری از جمله سوء استفاده جنسی در حالیکه تحت مراقبت والدین، قیم یا هر شخص دیگری باشد. *ماده ۲۴) حق بهداشت و دسترسی به خدمات بهداشتی و حفاظت در برابر عف های سنتی مضر. *مواد ۲۸ و ۲۹) حق آموزش براساس فرصت های برابر. *ماده ۳۴) حق حفاظت در برابر همه اشکال بهره کشی جنسی و سوء استفاده جنسی. *ماده ۳۵) حق حفاظت از ربوده شدن، فروش یا قاچاق. *ماده ۳۶) حق حفاظت از همه اشکال استثمار که همه جنبه های مختلف رفاه کودک را به مخاطره می اندازد. بنابراین CRC در ماده ۱ می گوید که هر شخص زیر ۱۸ سال کودک محسوب می شود و ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید: « اشخاص باید در زمان عقد نکاح در سن کامل^{۲۸} باشند؛ که بایستی به طور "آزادانه" و "با رضایت کامل" منعقد شود.

ه) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶:^{۲۹} *ماده ۳) تساوی حقوق زنان و مردان در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی. *ماده ۲۳) حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می رسند، عدم انعقاد عقد ازدواج بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین، تساوی حقوق و مسوولیت های زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن.

و) میثاق بین المللی در خصوص حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶:^{۳۰} *ماده ۳) تساوی حقوق مردان و زنان در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی. *ماده ۱۰) انعقاد عقد ازدواج با رضایت آزادانه طرفین.

ز) کنوانسیون تکمیلی ۱۹۵۶ در خصوص الغای بردگی و تجارت برده: بند ۳ ماده ۱) هر ترتیب یا رسومی که به موجب آن ابوبین یا قیم یا کسان و یا شخص یا عده ای اشخاص دیگر زنی را بدون اینکه وی حق استنکاف داشته باشد به شخص دیگری وعده دهند یا به زوجیت او درآورند و در ازاء این امر مبلغی وجه نقد یا جنسی دریافت نمایند؛ بایستی توسط دول عضو الغاء گردد.

ح) اساسنامه سازمان بهداشت جهانی:^{۳۱} مطابق با اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، هدف از تشکیل این سازمان دستیابی مردم به بیشترین سطح سلامت ممکن می باشد؛ لذا تلاش برای پایش بیماری های عفونی و پیشگیری و درمان چنین بیماری هایی (همانند ایدز و بیماری های مقاربتی) از مأموریت های اساسی سازمان می باشد.

ط) کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه - غیرانسانی یا تحقیرآمیز مصوب ۱۹۸۴:^{۳۲} ماده ۱) شکنجه یعنی؛ هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال می شود. همچنین مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مأمور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می شود.

^{۲۷}.Convention on the Rights of the Child(CRC)

^{۲۸}.full age

^{۲۹}.International Convention on Civil and Political Rights (ICCPR)

^{۳۰}.International Convention on Economic Social and Cultural Rights(ICESCR)

^{۳۱}.World Health organization(WHO)

^{۳۲}.Convention Against Torture and other Cruel,Inhuman or Degrading Treatment or punishment (CAT)

گفتار هفتم: جلوگیری از ازدواج کودکان**بند اول: طرح‌ها (ابتکارات) دولت**

الف) آموزش به والدین و جوانان در مورد پیامدهای منفی ازدواج کودک و اجرای برنامه‌های تبلیغاتی در مورد اهمیت آموزش دختران. **ب)** فراهم کردن آموزش و تحصیل رایگان دختران در مدرسه. **ج)** گنجاندن واحد آموزش روابط جنسی در برنامه‌های درسی در مدارس. **د)** اجبار والدین به ثبت نام دختران در مقطع متوسطه و الزام آنها به عدم ازدواج دخترانشان تا قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی. در راستای رفع این مشکل می‌توان اقدامات ذیل را انجام داد:

۱) ساخت مدارس نزدیک مناطق مسکونی؛ بنحویکه والدین کمتر نگران امنیت دخترانشان باشند. ۲) استخدام بیشتر معلمان زن. ۳) بهبود کیفیت تدریس و تدوین برنامه‌های انعطاف‌پذیر که به دختران اجازه می‌دهد مسوولیت‌های خانگی را بپذیرند. ۴) آموزش نگهداری از کودکان از طریق مدرسه (کودکیاری). ۵) مجازات برای معلمان مردی که دختران را اغفال می‌کنند. ۶) ایجاد مشوق‌های مادی برای والدینی که دخترانشان را در مدرسه نگه می‌دارند. ۷) گسترش آموزش‌های غیررسمی برای دخترانی که مدرسه را ترک کرده‌اند با تأکید فزاینده بر «مهارت‌های زندگی». ۸) اجباری کردن صدور گواهی ولادت به عنوان ابزاری برای تعیین سن اصلی کودک. ۹) اجباری کردن ثبت ازدواج به عنوان ابزاری برای تضعیف اختیارات والدین در زمینه ازدواج کودکان. ۱۰) ریشه کن کردن فقر به عنوان عامل اصلی ازدواج کودکان و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده. ۱۱) ترویج فرصت‌های اشتغال برای زنان که منجر به تشویق آموزش دختران و به تعویق انداختن ازدواج می‌شود. ۱۲) اعطای بورس تحصیلی و ایجاد برنامه‌های مثبت، جهت به تأخیر انداختن ازدواج دختران. ۱۳) اصلاح قوانین ملی در راستای ممنوعیت قاطع ازدواج کودکان^{۳۴} و تعیین ضمانت اجرای قوی در صورت تخطی از قانون. ۱۴) ایجاد مکانیزم‌هایی در زمینه الزام رسمی دولتهای عضو برای اجرای مفاد کنوانسیون‌های حمایتی؛ منجمله الزام دولتها برای آنکه مفاد کنوانسیون بخشی از قانون داخلی شود. ۱۵) استفاده از روز ملی و بین‌المللی زنان برای افزایش آگاهی از طریق بسیج اجتماعی؛ شامل شبکه‌های زنان، افکار رهبران در سطح ملی، سیاستمداران و رهبران اجتماعی، تعامل با رسانه‌ها و دیگر کانال‌های ارتباطی برای تأکید بر حقوق زنان؛ منجمله برابری، دسترسی به آموزش، آزادی از استثمار و تبعیض، آموزش به مردان برای تشویق تغییر نگرش. سازمان‌های بین‌المللی هم می‌توانند از این برنامه‌ها از طریق سرمایه‌گذاری و مشاوره فنی در زمینه‌های مختلف، حمایت کنند.

بند دوم: طرح‌ها (ابتکارات) NGO ها و جامعه مدنی

برای جلوگیری از ازدواج کودکان، یک طیف گسترده‌ای از افراد، سازمان‌ها، رهبران جامعه، سیاستمداران، سیاستگذاران، دانشگاهیان، محققان، وکلا، رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بایستی عمل کنند. سازمانهای غیردولتی و جامعه مدنی نقش حیاتی در کنترل ازدواج کودکان دارند. سازمان‌های غیردولتی باید در میان اقشار مختلف جامعه، بویژه فقرا در زمینه بهداشت، حقوق زوجین، تفاوت سنی و روابط جنسی آگاهی ایجاد کرده و برای حمایت از دختران نوجوان متأهل؛ از طریق کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی، ارائه آموزش، مشارکت مدنی و افزایش آگاهی از طریق رسانه‌ها تلاش‌هایی بعمل آورند.^{۳۵} در اغلب موارد تنها گزینه برای دختران و زنان درگیر "ازدواج زود هنگام" فرار کردن است. برخی از NGO ها کمک به چنین زنان و دخترانی را آغاز کرده‌اند اما تلاش‌هایشان به شهرها و شهرستان‌ها محدود شده است. دخترانی که از ازدواج‌های ناخوشایند فرار می‌کنند به حمایت اورژانسی نیاز دارند؛ در کشورهای صنعتی پیشرفته دختران و زنان فراری به یک سری خدمات دسترسی دارند از قبیل: بنگاهها، مشاوره و دیگر انواع حمایت. اما در کشورهای غیرصنعتی این خدمات بسیار نادرند. با اینحال در برخی از کشورها همانند زیمبابوه، سازمان غیردولتی ماساسا^{۳۶} مشاوره، پناهنگی موقت و حمایت از اشتغال را برای زنانی که از ازدواج‌های خشن فرار کرده‌اند فراهم می‌نماید و به استقلال زنان کمک می‌کند؛ اما کسانی که در ازدواج‌های باقی می‌مانند می‌توانند از حمایت‌های دیگر از طریق مشاوره همسالان، گروه‌های محلی زنان و ... بهره‌مند شوند.

^{۳۳} هدف از آموزش مهارت‌های زندگی اینستکه جوانان را به مهارت‌هایی تجهیز کند که بواسطه آنها درگیر مواردی از قبیل: الکل، مواد مخدر، روابط جنسی آزاد، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی و... نشوند. توانمندسازی جوانان برای اداره کردن زندگی‌شان در رأس رویکرد مهارت‌های زندگی قرار دارد.

^{۳۴} براساس کنوانسیون حقوق کودک هر فرد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شود.

^{۳۵} در کشور بنگلادش NGO ها به جوانان و نوجوانان مقوله "بهداشت باوری" را آموزش می‌دهند.

بند سوم: آگاهی از طریق رسانه ها

رسانه ها (راديو، تلویزیون و) در پخش برنامه های مختلف در مورد اثرات مضر ازدواج های زود هنگام نقش حیاتی ایفاء می کنند. رسانه ها از طریق برنامه های مختلف علیه ازدواج زود هنگام، می توانند افراد روستایی و بیسواد را متقاعد نمایند.

بند چهارم: تغییر در نگرش

تغییر نگرش یک استراتژی است که از سایر تلاشها و روشها برای پایان دادن به ازدواج زود هنگام پشتیبانی می کند. برای تغییر نگرش در خانواده ها و در جوامع به مقیاس بزرگ، بایستی از همان دوران بچگی آموزش های لازم در خصوص مضرات ازدواج زود هنگام ارائه شود و بچه ها به عنوان اعضای ارزشمند جامعه به رسمیت شناخته شوند نه به عنوان بار اقتصادی.

نتیجه گیری

عمل ازدواج اجباری و زود هنگام در سراسر جهان به وقوع می پیوندد. اسناد حقوقی بین المللی و همچنین قوانین خاص کشورها این عمل را محکوم می کنند یا حتی به طور ویژه آن را جرم انگاری کرده اند؛ با این حال این عمل همچنان تداوم دارد. بایستی قوانین حمایتی تصویب و به نحو مطلوبی اجرا شود. این مهم است که قوانین جدیدی را تصویب کنیم که ۱۸ سال را به عنوان حداقل سن برای زنان و مردان تعیین کند. قوانین مربوط به جلوگیری از ازدواج کودکان ضعیف بوده و نقاط ضعف و تناقضات زیادی در قوانین وجود دارد. در قوانین موجود، بایستی اصلاحات خاصی صورت پذیرد. اول و مهمتر از همه، ازدواج کودکان باید باطل اعلام شود و برای اشخاصی که تشریفات و مراسم عروسی را برگزار می کنند یا در انعقاد عقد ازدواج مشارکت دارند؛ مجازات شدید اعمال شود. مضافاً اینکه تصویب صرف هر قانون، دسترسی به اهداف مورد نظر را میسر نمی سازد مگر اینکه این امر به وسیله مکانیسم های حمایتی دیگر به طور معناداری تقویت شود. شرط مقدم این است که یک اراده ی سیاسی قوی بتواند تنها از طریق فرآیندها و فشارهای دموکراتیک ایجاد شود. همه ی اعضای جامعه از جمله دانشگاهیان، پژوهشگران، فعالان در زمینه های مختلف بایستی با هم به منظور تأمین عدالت برای دختران جوان، به صورت خستگی ناپذیر فعالیت کنند. در برخی کشورها همانند بنگلادش، ازدواج کودکان گسترده است. مطابق قانون محدودیت ازدواج کودکان در این کشور، حداقل سن قانونی ازدواج برای زنان ۱۸ سال است اما یکی از مشکلات در اعمال سن اینست که در مناطق روستایی، اکثر ازدواجها ثبت نشده اند و با توجه به اینکه ثبت تولد به صورت نامنظم انجام می شود تعیین دقیق سن ازدواج ممکن نیست و در نتیجه وضعیت تشدید می شود. در کشور هندوستان، علیرغم داشتن قانون ممنوعیت ازدواج کودکان، ازدواج کودکان هنوز هم رایج است و به عنوان یک ازدواج معتبر فرض می شود. در کشور ایران نیز ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی لازم الاجراست؛ اما این قانون قابل خدشه است زیرا بعید است که یک دختر ۱۳ ساله یا یک پسر ۱۵ ساله صلاحیت کافی برای تشکیل خانواده و اداره کردن زندگی مشترک داشته باشند. بنابراین با عنایت به اینکه قانون مدنی ایران در مورد سن افراد در شرایط مختلف تصمیمات و دستورات مختلفی صادر کرده است؛ (به عنوان مثال سن قانونی برای رأی دادن بالای ۱۵ سال. سن مشمولیت سربازی برای پسران، بالای ۱۸ سال. سن رشد جهت تصرف در اموال خود ۱۸ سال). بدیهی است در موضوع بسیار مهمتری همچون ازدواج بایستی ۱۸ سال را به عنوان سن بلوغ در نظر گرفت و اصلاح قانون و افزایش سن ازدواج به ۱۸ سال ضرورتی اجتناب ناپذیر است. از تجزیه و تحلیل قوانین مربوط به ازدواج کودکان به نحو واضحی روشن می شود که ازدواج برخلاف سن قانونی باید باطل اعلام شود. فقدان مقررات ابطال ازدواج، مانع اصلی بر سر راه اجرای موثر قانون است. اگر مقررات قانونی روشن و صریحی در راستای ابطال این ازدواجها وجود داشته باشد، دادگاه بایستی مر قانون را عیناً اجرا نموده و در چنین شرایطی قاضی اختیار تغییر قانون را ندارد. پیشنهاد می شود این قوانین به نحوی اصلاح شود که ازدواج زیر سن قانونی را باطل اعلام نماید. دولت باید اقداماتی را انجام دهد که مردم را در زمینه آثار منفی و سوء ازدواج کودک آگاه سازد. تنها راه برای متوقف کردن این رویه، افزایش آگاهی در میان مردم است. در این راستا باید نقش مهم والدین و خانواده ها را خاطر نشان ساخت؛ اکثر مقامات دولتی معتقدند که حتی اگر قوانین حمایتی وجود داشته باشد و توسط حاکمیت به نحو مطلوبی اجرا شود؛ تغییر واقعی زمانی ایجاد خواهد شد که خانواده ها و والدین به ارزش دختران اعتقاد داشته باشند و آن ها را به عنوان سربار تلقی نکنند.

پیشنهادهات

الف) توصیه هایی برای اصلاح سیاست و قانون: ازدواج کودکان، جدای از دیگر سنت های مضرى که ارزش زنان را می کاهد نیست. ازدواج کودک باید در قانون به عنوان یک شکل تبعیض و خشونت علیه زنان و کودکان تعریف شود. بایستی تصدیق کرد که ازدواج کودک در مقیاس وسیع بر عموم مردم و جامعه اثرگذار بوده و ترتیبات خصوصی بین دو خانواده نیست. ازدواج بر حقوق مدنی- سیاسی- اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی کودک تأثیر گذاشته و دولت مسوول آداب و رسومی است که حق زندگی کودکان و زنان را نقض می کند. اصلاح قانون بایستی به عنوان یک فرآیند جامع دیده شود و همه حوزه های نابرابری جنسیتی بایستی به منظور مبارزه با ازدواج کودکان، غیر قانونی اعلام شود.

ب) تعیین یا افزایش حداقل سن قانونی ازدواج برای زنان و مردان به ۱۸ سال: مطابق با کنوانسیون حقوق کودک کشورها بایستی ۱۸ سال را به عنوان حداقل سن ازدواج تعیین کنند. این امر همچنین به وسیله کمیته CEDAW و گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه خشونت علیه زنان توصیه شده است. به طور مشابه کمیته بین آفریقایی در خصوص رویه های سنتی موثر بر سلامتی زنان و کودکان بیان می کند: " هر ازدواجی که زیر سن ۱۸ سال انجام شده، قبل از اینکه دختر از نظر جسمی و روانی آماده باشد که مسوولیت ازدواج و بچه دار شدن را بپذیرد. " ازدواج زودهنگام " است.

ج) باطل و لغو کردن ازدواج کودکان: ازدواج کودکان بایستی باطل و بی اعتبار یا حداقل قابل ابطال اعلام شود. این امر دختر را قادر می سازد که حقوقش را به موجب ازدواج اعمال نماید. (از جمله حق ارث بردن اموال یا نگهداری از فرزندان) ضمن اینکه همزمان به او اجازه می دهد؛ قبل از اینکه به حدکافی بالغ شود که پیامدهای آن را درک کند؛ ازدواج اجباری را از جانب خودش لغو سازد.

د) اعمال مجازات و جبران خسارت: باید کسانی که مسوول ازدواج بوده و آنهایی که ازدواج کودک را ثبت کرده اند؛ مجازات شوند. مجازات های کیفری و مدنی شدید، باید نسبت به کسانی که مراسم ازدواج را برگزار می کنند و در چنین ازدواج هایی مشارکت داشته یا آن را تسهیل می کنند؛ اعمال شود. (منجمله پدر و مادر دختر یا داماد)

ه) ارائه گزارش در مورد ازدواج کودکان اجباری شده و مشوق هایی برای ارائه گزارش در این خصوص منظور گردد.

و) تجاوز زناشویی بایستی به عنوان یک بزه کیفری به رسمیت شناخته شود هم به موجب قانون خاص مرتبط با ازدواج کودکان و هم به موجب قانون مجازات عمومی.

ز) اجباری کردن ثبت تولد؛ کشورهایی که از یک روش دقیق ثبت تولد تبعیت نمی کنند، ازدواج کودک را تقویت می کنند.

ح) اجباری کردن ثبت ازدواج؛ مشوق هایی از قبیل اعتبارات مالیاتی باید برای ثبت ازدواج ایجاد شود؛ ضمناً ثبت ازدواج بایستی توأم با برخی از شواهد معتبر باشد مبنی بر اینکه ازدواج اجباری و اکراهی نیست.

ط) خودداری از به رسمیت شناختن عقد ازدواج های اجباری و ازدواج های کودکان؛ منعقد شده در خارج از کشور.

ی) سیستم های نظارتی باید برای پیگیری گزارش ازدواج کودکان راه اندازی شوند. مقامات اداری و مجریان قانون بایستی برای گزارش و جمع آوری اطلاعات در خصوص ازدواج کودکان آموزش داده شوند.

ک) NGO ها باید در زمینه نظارت بر قانون دخالت داشته باشند.

ل) تفسیر مترقی از متون مذهبی؛ ترویج تفاسیر دیگر متون مذهبی برای رد کردن این تصور که ازدواج زودهنگام مورد نیاز یا مورد تأیید است.

م) افزایش فرصت های آموزشی برای دختران؛ سرمایه گذاری در زمینه آموزش دختران ممکن است بالاترین بازدهی را در سرمایه گذاری موجود در کشورهای در حال توسعه داشته باشد. صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۰۴ به آموزش در کشورهای خاصی همانند سریلانکا و سنگاپور اولویت زیادی داد که به تعویق انداختن ازدواج دختران منتج شد. در حالیکه حذف موانع حقوقی و اجرایی تحصیل دختران، اولین گام در دسترسی برابر به مدرسه است. ایجاد مدارس به عنوان پناهگاه های امن برای دختران به نحویکه خانواده ها اطمینان خاطر داشته باشند که دخترانشان به هیچ وجه مورد صدمه و سوء استفاده قرار نمی گیرند برای گسترش دسترسی به مدارس برای دختر بچه ها مهم است. سیاست های آموزشی بایستی در موارد ذیل باشند:

۱- ایجاد فرصت های خلاقانه برای آموزش خارج از مدرسه کودکان؛ بویژه دختران. ۲- ارائه مشوق هایی برای فرستادن دختران به مدارس و اعمال مجازات هایی برای منع آن ها از رفتن به مدرسه. ۳- تأمین سرویس های ایاب و ذهاب دختران برای نقل و انتقال ایمن دختر بچه ها به مدارس. ۴- قراردادن دختران جوان در جریان های اصلی جامعه؛ درگیری های اجتماعی بیشتر، دختران جوان را از وارد شدن به ازدواج زودهنگام بازمی دارد. ۵- آموزش اجباری رایگان برای دختران از طریق دوره متوسطه، همچنین ارائه برنامه های آموزشی حرفه ای و ام های کوچک و سایر اقدامات اقتصادی به منظور اینکه برای دختران جایگزینی

برای ازدواج ایجاد کند و ابزارهایی را در اختیار آن ها قرار دهد که به سمت زندگی مستقل مولد سوق یابند. ۶- برقراری بورس تحصیلی برای دختران در جوامع در خطر. ۷- متعهد شدن دولت، خیرین و NGO ها به مبارزه با ازدواج کودکان. ۹- ارائه فرصت ها برای دختران که ادامه تحصیل دهند یا کسب درآمد کنند به عنوان استراتژی دیگر برای به تأخیرانداختن ازدواج و همچنین گسترش مهارت های زندگی و فرصت ها. ۱۱- ایجاد مشوق هایی برای زنان که یک سطح خاصی از تحصیل را کسب نمایند. ۱۲- صندوق توانبخشی ازدواج کودکان باید برای قربانیان ازدواج کودک برقرار شود. این صندوق بایستی برای آموزش و اهداف دیگر مورد استفاده واقع شود. ۱۳- گنجاندن موضوعات ازدواج کودکان، رفع تبعیض علیه زنان و آموزش جنسی در برنامه آموزشی مدارس.

ن) تقویت تعهدات بین المللی برای کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود دسترسی به خدمات بهداشت باروری برای زنان و بهبود دسترسی به خدمات بهداشتی برای جامعه به عنوان یک کل که انگیزه فرزندآوری برای خانواده ها را تا حد ممکن کاهش دهد. س) تقویت شبکه های اجتماعی غیررسمی زنان.

ع) ارائه پشتیبانی های روانی و فیزیکی برای دختران جوان که از ازدواج ناموفق و اجباری، فرار کردند؛ برای مثال در زیمبابوه یک NGO به نام ماساسا مشاوره، پناهندگی موقت و حمایت از اشتغال را ارائه می دهد.

ف) توسعه کمپین های پیشگیری از ازدواج قبل از سن ۱۸ ساگی در مدارس.

ص) تهیه پیش نویس قوانین جنسیتی مناسب و قوانین هماهنگ در انطباق با هنجارهای بین المللی؛ اصل عدم تبعیض در میان اساسی ترین اصول قوانین بین المللی حقوق بشر وجود دارد و زیر بنای حقوق دیگر در CRC و CEDAW هست. هر دو پیمان برابری را به طور گسترده تعریف می کنند که برابری رسمی و اساسی را در بر می گیرد و عملکرد مثبت را به عنوان یک راه برای جبران میراث تبعیض علیه دختران و زنان توصیه می کند. قوانین خشونت خانگی، قوانین ضد تبعیض، قوانین آموزش برابر، قوانین فرصتهای اشتغال برابر و قوانین ضد آزار و اذیت جنسی بایستی در کنار ممنوعیت های ازدواج کودکان پیش نویس شوند.

ق) اجتناب از نقاط ضعف مشترک در قوانین بازدارنده و تضمین موارد ذیل :

۱- قانون بایستی : * از زبان بازدارنده استفاده کند. * حاوی مجازات باشد. * شامل مکانیزمهای اجرا باشد. * شامل جبران خسارات باشد. * قابل اجرا و قابل استماع باشد. ۲- حق شکایت باید در قانون گنجانده شود. ۳- به دادستان، مأمورین اجرای قانون و قضات در حساسیت های جنسی و چگونگی استفاده از قانون آموزش ارائه دهد. ۴- در راستای آموزش به جامعه در مورد استفاده از قانون، برنامه لازم را تدوین نماید.

سپاسگزاری

حمد و سپاس خداوند بزرگ را که توفیق کسب دانش و معرفت به ما عطا فرموده است. بر خود لازم می دانم از استاد فاضل و ارجمند جناب آقای دکتر علی فلاحتی شهاب الدینی که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق و پژوهش و نگارش این مقاله تقبل نموده اند، نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم و از همکار بزرگوار جناب آقای محمدرضا رشنوادی که با راهنمایی خود؛ بویژه در حوزه های حقوق بین الملل و حقوق بشر مرا مورد لطف قرار داده اند، کمال تشکر را می نمایم.

منابع و مراجع

الف) فارسی

- قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۱۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
- قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.
- شکری فریده، «بررسی حقوقی ازدواج و رشد دختران» نشریه مطالعات راهبردی زنان، سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۷ (تاریخ مراجعه ۹۶/۸/۱۶).
- <http://www.iranpress.ir/iranwomen>
- سایت مدرسه فمینیستی، رایحه مظفریان ۹۲/۷/۱۹. (تاریخ مراجعه ۹۶/۸/۲۰).
- <http://www.feministschool.com/spip.php?article/7389>
- سایت خبرگزاری دانشجویان ایران "ایسنا"، ۹۶/۵/۲۹ (تاریخ مراجعه ۹۶/۸/۲۱).
- <https://www.isna.ir/news/9509212286>
- سایت فرارو (تاریخ مراجعه ۹۶/۸/۲۱).
- <http://fararu.com/fa/new/326223>
- سایت ویکی پدیا. (تاریخ مراجعه ۹۶/۸/۲۲).
- <http://www.fa.wikipedia.org>
- پایگاه تحلیلی خبری زنان و خانواده، مهرخانه. (تاریخ مراجعه ۹۶/۸/۲۵).
- <http://www.mehrkhane.com>

ب) انگلیسی

- Ferdousi, Nahid, 2014, "Child Marriage in Bangladesh: Socio-Legal Analysis", Academic Journals, January, ISSN:2006- 988X.
- Sagade, Jaya, 2005, "Child Marriage in India", Oxford University Press.
- De Silva, Rangita, 2008, "Child Marriage and the Law", January, ISSN: NY10017.
- "EARLY MARRIAGE , CHILD SPOUSES", United Nations Children's Fund Innocenti Research Centre Florence, Italy (Unisef), March 2001, ISSN: 1020-3528 .
- "Asia Child Marriage Initiative: Summary of Research in Bangladesh , India and Nepal" International Center for Research on Women(ICRW), January 2013.
- SAARC Convention on Preventing and Combating Trafficking in Women and Children for Prostitution.
- SAARC Convention on Regional Arrangement for the Promotion of Child Welfare in South Asia.
- Association of Southeast Asian Nations (ASEAN).
- African charter on the Rights and Welfare of the Child (ACRWC).
- The American Convention on Human Rights (ACHR) .
- The European Convention on Human Rights (ECHR).
- European Social Charter (Revised).
- The united Declaration Of human rights (UDHR).
- The Convention on The Elimination of All Forms of Discrimination Against Women.
- Convention on the Rights of the Child (CRC).
- International Convention on Civil and Political Rights (ICCPR).
- International Convention on Economic Social and Cultural Rights (ICESCR).
- World Health organization (WHO).
- Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or punishment (CAT).